



## جهانی شدن اقتصاد و

### اثرات آن روی اشتغال

دکتر اسماعیل رمضان پور



افزایش رفاه و بهره وری تأکید داشته است. در تمام کشورهای جهان، اکنون این نظریه که تجارت بین الملل، سرمایه گذاری و جریانهای مالی آزادتر و موثرترین وسیله و ابزار تأمین سعادت مادی است را قویاً پذیرفته اند. افزایش قابل توجه سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد سریع تجارت جهانی به یک بحث سیاست در ادبیات دانشگاهی در خصوص اثرات و الزامات یکپارچگی فزاینده اقتصاد جهانی انجامیده است. جهانی شدن همچون تمام تحولات و تغییرات اقتصادی، علاوه بر سود با زیان نیز همراه است. در این زمینه غیررغم چشم انداز بسیار مثبت از جمله بهره مندی وسیع از کارایی اقتصادی و رشد بالاتر، افزایش و تشدید رقابت، انتخاب وسیع تر، دسترسی به سرمایه، ایده ها، تکنولوژی و محصولات جدید، نگرانی های زیادی به ویژه در حوزه اشتغال و نابرابری درآمد وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه این ترس و نگرانی وجود دارد که آزاد سازی به کاهش و از دست دادن شغل و افزایش نابرابری منجر خواهد شد و ترس و نگرانی مشابهی نیز در کشورهای صنعتی وجود دارد که جهانی شدن رقابت بین المللی جدیدی را بر می انگیزد که این کشورها توان مقاومت در برابر آن را نداشته و این به افزایش بیکاری کارگران فاقد مهارت منجر می شود. در این مقاله رابطه جهانی شدن اقتصاد و اشتغال مورد بررسی قرار می گیرد. کشورهای در حال توسعه

است. نرخ رشد آن از سال ۱۹۸۳ دو برابر نرخ رشد تجارت بین الملل بوده است. (جدول شماره ۱) حقایق عیان شده جهانی شدن (جریان FDI از حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در دهه ۱۹۶۰ به ۵۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ و به ۱۶۴۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته و مقدار آن در سال ۲۰۰۳ به بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد می شود. این یافته ها به وضوح نشان می دهند که یکپارچه شدن اقتصاد جهانی از طریق FDI به ویژه در دهه نود تسریع یافته است. رشد سریع تجارت جهانی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و جریانهای وسیع مالی در سطح بین المللی در طی گذشته بستر اصلی «جهانی شدن» فزاینده اقتصاد جهانی بوده است. صندوق بین المللی پول جهانی شدن اقتصاد را به صورت وابستگی متقابل اقتصادی فزاینده کشورهای سرتاسر جهان به واسطه افزایش حجم و به تنوع معاملات فرا مرزی کالاها و خدمات و همچنین جریان بین المللی سرمایه و انتشار وسیع تر و سریع تر تکنولوژی تعریف می نماید. این پدیده عمدتاً متأثر از موج جهانی سراسری آزاد سازی اقتصادی - کاهش موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای تجارت بین الملل، تشویق سرمایه گذاری مستقیم خارجی، و مقررات زدایی بازارهای مالی بوده است.

نظریه اقتصادی همواره بر نقش مستقیم تجارت آزاد به عنوان عامل بسیار مؤثر در

جهانی شدن اقتصاد - نسبت تجارت (صادرات و واردات) به GDP - نسبت FDI به GDP - سهم مصنوعات از صادرات - نرخ بیکاری - همبستگی.

#### مقدمه

تحولات اقتصاد جهانی در چند دهه گذشته به طور مشخص از حیث رشد محصول جهانی، تجارت بین الملل و سرمایه گذاری مستقیم خارجی بسیار برجسته و محسوس بوده است. در بخش عمده بعد از جنگ جهانی دوم نرخ رشد تجارت جهانی فراتر از نرخ رشد محصول جهانی بود. در فاصله ۱۹۸۰ - ۱۹۵۰ تجارت جهانی دارای نرخ رشد ۷/۵ درصد بوده است. در سال های ۸۳-۱۹۷۴، دوره ای که اقتصاد جهانی شدیداً تحت تأثیر شوک های نفتی و بحران بدهی بوده است نرخ رشد تجارت جهانی به ۳/۱ درصد کاهش یافت اما در فاصله ۱۹۸۹-۱۹۸۴ مجدداً رشد تجارت جهانی بهبود پیدا کرد و به سطح قبلی خود برگشت. رشد سریع و پایدار تجارت جهانی به این اشاره دارد که اقتصاد های ملی در بسیاری از کشورهای جهان به هم وابسته تر و بازرتر شده اند. در طی سه دهه گذشته جریان دارایی های مالی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی FDI نیز به سرعت افزایش یافته است. در طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۵ نرخ رشد FDI تقریباً سه برابر رشد تولید ناخالص داخلی جهانی و صادرات جهانی بوده

صادرات صنعتی محرک اصلی رشد سریع تقاضای نیروی کار در بخش مدرن بود که فرصتهای گسترده ای را برای انتقال نیروی کار به مشاغل مولد تر و با پرداخت بهتر فراهم کرده است. رشد صادرات مصنوعات افزایش پیدا کرده و اشتغال در تعدادی از این کشورها به واسطه جریان موثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی افزایش یافته است. به طور قطع می توان نتیجه گرفت که یک عامل مهم توضیح دهنده عملکرد برتر اقتصادی این کشورها، واکنش موفقیت آمیز آنها نسبت به فرصتهای ایجاد شده از طریق جهانی شدن بوده است.

## ۲- تجارب بین الملل: موتور اساسی جهانی شدن

نظریه و روند جهانی شدن به سمت رویکردی است که اشاره دارد «اقتصاد باز بر اقتصاد بسته ترجیح دارد». این باز بودن عمدتاً به تجارت، و همچنین به تحرک عوامل و مالکیت خارجی اشاره دارد. توسعه و بسط گرایش فوق ناشی از این باور است که تخصیص مجدد منابع تولید در سطح بین الملل و رقابت بین المللی به کارایی و رشد اقتصادی بیشتر منتهی خواهد شد. اثر مثبت تجارت آزاد تر و سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی بدون تردید یکی از مهمترین عوامل توضیح دهنده رابطه یکپارچگی فزاینده اقتصادی و رشد اقتصادی است.

در خصوص اثرات توسعه و گسترش تجارت بین الملل بر اشتغال بایستی گات و WTO، به ویژه مذاکرات دور اروگوئه را مطالعه و بررسی کرد. دور اروگوئه به درستی به عنوان جاه طلبانه ترین و جامع ترین تمام دوره های گات GATT ملاحظه می شود. دور اروگوئه در مقایسه با تمام دوره های قبلی گات تعداد خیلی بیشتری از طرفهای قرار داد (۱۰۹ کشور) را شامل گردیده و تعداد قابل

بهتری داشته اند. با درگیر شدن کامل در صحنه اقتصاد جهانی، این کشورها توانستند بهترین ایده های جهانی را بدون هیچ هزینه ای به دست آورند. این فایده اساسی و مهمی است که از جهانی شدن عاید می شود. کشورهای در حال توسعه می توانند با هزینه ناچیزی از تمام دانش جهانی بهره مند شده و سود ببرند. جهانی شدن یک فرصت منحصر به فردی برای آنها فراهم می کند که خودشان را به سطح کشورهای پیشرفته برسانند بدون این که مجبور باشند ماشین فاکس، تلفن سلولی، بیوتکنولوژی، ... را مجدداً اختراع کنند.

بانک جهانی در تحقیقی نرخ رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نرخ یکپارچگی آنها در اقتصاد جهانی را با هم مقایسه کرده است. برای محاسبه نرخ یکپارچگی کشورها در اقتصاد جهانی از شاخص های: نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی GDP، نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی به GDP، سهم مصنوعات از صادرات، و رتبه بندی اعتباری، شاخص دسترسی به بازارهای بین المللی سرمایه

## ✓ در تمام کشورهای جهان، اکنون این نظریه که تجارت بین الملل، سرمایه گذاری و جریانات مالی آزادترین و موثرترین وسیله و ابزار تأمین سعادت مادی است را قویاً پذیرفته اند.

استفاده شده است. نتایج تحقیق بانک جهانی حاکی از همبستگی تجربی بین نرخ بالاتر و سریع تر هم پیوندی با اقتصاد جهانی و رشد اقتصادی بیشتر می باشد. رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه دارای بالاترین و بیشترین و نرخ یکپارچگی در دهه گذشته، در مقایسه با کشورهای در حال توسعه ای که کمترین نرخ یکپارچگی را داشتند، بیشتر بوده است.

مکانیزم اصلی انتقال و تسری رشد بالا به عملکرد مطلوب اشتغال در آسیا رشد سریع صادرات مصنوعات بود. در واقع رشد فزاینده

با نرخ بیکاری بالایی مواجه بوده و جهانی شدن نیز فرآیند اجتناب ناپذیری شده است. سؤال اساسی این است که جهانی شدن اقتصاد چه تأثیری بر سطح اشتغال و نرخ بیکاری دارد؟ و فرضیه مربوط این است که جهانی شدن اقتصاد می تواند نرخ بیکاری را به طور مؤثری کاهش دهد.

## ملاحظات نظری

### ۱- جهانی شدن اقتصاد، رشد اقتصادی و اشتغال

در مطالعه ای کشورهای جهان به دو دسته باز و بسته تفکیک گردیده و رشد اقتصادی آنها بررسی شده است: مقایسه رشد متوسط بین گروه کشورهای بسته با گروه کشورهای باز، آشکار می نماید که نرخ رشد کشورهای باز برای مدت ۲۰ سال در فاصله ۱۹۹۰-۱۹۷۰، سالیانه به طور متوسط ۳ درصد فراتر از عملکرد رشد کشورهای بسته بوده است. همچنین مطالعه فوق اشاره و تأکید دارد که

نمی توان یک کشور باز در حال توسعه ای را پیدا کرد که شکست خورده باشد و به سختی می توان یک کشور در حال توسعه بسته ای را یافت که در طی این دوره موفق بوده باشد. دلیل آن روشن است: این امر تا اندازه زیادی بر می گردد به کارایی ناشی از رقابت تجاری، منافع و مزایای

تخصصی شدن و موارد مشابه. از آن مهم تر، کشورهای که خودشان را از جهان بیرون محروم و منزوی می کنند در واقع از جهان ایده ها و علم و دانش، از جریان تکنولوژی، و از بهبود سازمانی که در بخش های دیگر جهان اتفاق می افتد، محروم می مانند. بنابراین شگفت انگیز و اعجاب آور نخواهد بود که کشورهایی مانند سنگاپور، هنگ کنگ و ...، که درهای خود را بر روی اقتصاد جهانی باز کرده اند، در مقایسه با کشورهایی که چنین نکرده اند، به طور وسیع عملکرد به مراتب

جدول (۱) - حقایق عیان شده جهانی شدن

	تولید جهانی *	تجارت جهانی		FDI جهانی	نکته	
		کل **	مصنوعات		سهم DC از تجارت ***	سهم DC از FDI ****
۱۹۸۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۳/۱	۲۴/۲
۱۹۸۴	۱۰۳/۷	۱۰۵/۸	۱۰۲/۸	۱۱۶/۱	۱۲/۷	۲۰/۸
۱۹۸۵	۱۰۷/۵	۱۰۶/۲	۱۰۲/۸	۱۱۹	۱۲	۲۳/۶
۱۹۸۶	۱۱۱/۳	۱۱۷/۴	۱۲۵/۷	۱۹۲/۵	۱۳/۱	۱۴/۷
۱۹۸۷	۱۱۳/۸	۱۳۷/۸	۱۵۳/۳	۲۹۸	۱۴/۷	۱۱/۶
۱۹۸۸	۱۱۸/۸	۱۵۷	۱۷۶/۶	۳۶۷/۴	۱۵/۶	۱۵/۷
۱۹۸۹	۱۲۲/۵	۱۷۰/۳	۱۸۸/۵	۴۷۰/۶	۱۸/۲	۱۴/۷
۱۹۹۰	۱۲۵	۱۹۲/۳	۲۱۶/۴	۴۹۳	۱۷/۹	۱۴/۸
۱۹۹۱	۱۲۳/۸	۱۹۷/۵	۲۲۳/۵	۳۹۲/۹	۱۹/۶	۲۶/۵
۱۹۹۲	۱۲۵	۲۱۲/۱	۲۴۴/۴	۳۹۶/۹	۲۰/۸	۳۰/۱
۱۹۹۳	۱۳۷/۵	۲۱۲/۵	۲۴۶/۷	۴۶۰/۷	۲۳/۸	۳۶
۱۹۹۴	۱۳۱/۳	۲۳۷/۷	۰۰	۴۶۸/۱	۰۰	۳۹/۳

\* شاخص تولید ناخالص داخلی واقعی ، \*\* متوسط صادرات و واردات کالای جهانی به علاوه صادرات و واردات خدمات تجاری ، \*\*\* سهم کشورهای \* در حال توسعه از صادرات جهانی مصنوعات ، \*\*\*\* سهم کشورهای در حال توسعه از FDI ، منهای کشورهای نفت خیز  
Source: John H. Dunning, Globalization, trade and FDI, 1998, p. 156

منافع به طور قطع بستگی دارد به اجرای کامل موافقتنامه و تأکید می نمایند که این به هیچ وجه تضمین شده نیست .

یک تهدید بالقوه دیگر ظهور مجدد حمایت گرایي در کشورهای صنعتی است در صورتی که با مسائل تعدیل ناشی از تجارت آزادتر به طور مناسب برخورد نشود . اجراء کامل موافقتنامه در کشورهای صنعتی نیاز به تعدیل بیشتر در صنایع کم مهارت و نسبتاً کاربردی را در پی دارد . این احتمالاً مشکل بیکاری را تشدید نموده مگر این که سیاستهایی موثر تعدیل مثبت اعمال شوند . اتخاذ چنین سیاستهایی به جای سیاست عدم مداخله یا برگشت به حمایت گرایي قویاً توصیه می گردد .

### ۳ - سرمایه گذاری مستقیم خارجی

نگرش غالب بر FDI در کشورهای در حال توسعه در طی دهه گذشته به طور موثری تغییر کرده است . بسیاری از نگرانیهای پیشین

پی داشته باشد . در این حالت، انکای بیشتر به اقدامات حمایتی می تواند در دستور کار قرار گیرد . گرین وی Greenaway و میلنر Milner وجوه اصلی موافقتنامه ( دور اروگوئه ) و پیامدها و نتایج آن را در حوزه اشتغال و رشد اقتصاد جهانی تحلیل کرده اند .

ارزایی کلی آنها این است که از طریق گسترش متقابل بازارها و اثرات ضریب تکاثری متعاقب آن ، تأثیر معنی داری بر رشد و اشتغال ،

✓مقایسه رشد متوسط گروه کشورهای بسته با گروه کشورهای باز شود ، آشکار می نماید که نرخ رشد کشورهای باز برای مدت ۲۰ سال در فاصله ۱۹۹۰-۱۹۷۰، سالیانه به طور متوسط ۳ درصد فراتر از عملکرد رشد کشورهای بسته بوده است .

و همچنین ثبات بیشتری که از قواعد حاکم بر تجارت بین المللی حاصل خواهد شد ، را شاهد خواهیم بود . اما هشدار می دهند که تحقق این

توجهی از موضوعات ( ۱۵ مورد ) را پوشش می دهد . علاوه بر تجدید نظر موضوعات قدیمی مانند آزاد سازی تعرفه، موضوعات جدید مرتبط با سرمایه گذاری خارجی ، مالکیت معنوی و خدمات نیز مورد توجه قرار گرفته است . روی هم رفته به نظر می رسد که در صورت آزاد سازی بازارهای منسوجات ، پوشاک، کشاورزی و مصنوعات در شمال، دور اروگوئه بزرگترین فرصت را برای توسعه و گسترش صادرات جنوب به شمال فراهم کند .

اگر چنین شود ، به طور قطع ، افزایش و رشد اشتغال در جنوب و کاهش آن در شمال ، حداقل در کوتاه مدت ، را شامل خواهیم بود . بعلاوه ، براساس یک تحقیق، مشاغلی که در شمال از دست می روند مشاغل با مهارت کم هستند همچنین احتمال زیادی وجود دارد که گسترش تجارت

بین الملل ، در کشورهای در حال توسعه نیز چالش های تعدیلی کوتاه مدت معنی داری را در

جدول (۲) - متوسط سالانه متغیرهای تحت مطالعه در دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۰

MuR	Mif	Mam	Min	Mex	
۸/۳۰	۱/۷	۲۸/۲	۸/۲	۹	آرژانتین
۵/۱۳	۱/۳	۴۹/۹	۸/۶	۹/۵	برزیل
۲/۵	۲/۶	۷۶/۳	۱۵/۲	۱۶/۲	چین
۳۶/۸۵	۱/۸۳	۶/۸	۲۸	۱۹/۶۵	غنا
۲/۹۹	-	۹۴/۸	۱۲۰/۶	۱۲۴/۶	هنگ کنگ
-	۱/۲۳	۶۷/۱	۱۱/۱	۸/۵	هند
۳/۶	۱/۵۴	۳۲/۱	۲۵/۱	۲۸/۳	اندونزی
۳/۵	۱/۵۴	۹۱/۹	۳۳/۵	۴۳/۳	کره جنوبی
۴/۷	۴/۳	۵۲/۲	۷۲/۴	۷۶/۷	مالزی
۳/۴	۱/۶	۵۱/۸	۱۹/۵	۲۰/۶	مکزیک
۱۷/۴	۱/۵۳	۴۸/۲	۳۱/۶	۲۴/۸	مراکش
۷/۷	۱/۲	۴۷/۵	۳۶	۳۲/۶	فیلیپین
۳/۲	۱۰	۶۹/۱	۱۷۶/۶	۱۸۴/۴	سنگاپور
۱۵	۲/۰۵	۶۲/۴	۴۵	۳۹/۹	تونس
۸/۴۹	۱/۳۳	۶۲/۴	۲۰/۲	۱۶/۵	ترکیه
۲/۳۵	۱/۸۳	۵۵/۴	۳۷/۴	۳۵/۹	تابلند
۹/۸	۱/۴۹	۹/۱۷	۲۱/۳	۲۶/۸	ونزوئلا
۲۰/۸	۱/۹۴	۳۳/۸	۲۲/۳	۲۶/۱	آفریقای جنوبی

mam : متوسط سالانه سهم مصنوعات از صادرات در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

mfi : متوسط سالانه نسبت FDI به GDP در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

muR : متوسط سالانه نرخ بیکاری در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

منبع : پیوست ، جدول (۱)

mex : متوسط سالانه نسبت صادرات به GDP در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

min : متوسط سالانه واردات به GDP در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

کشورهای در حال توسعه را شامل می شود ( به سختی قابل قبول ( یا قابل دفاع ) به نظر می رسد . با وجود این ، باور گسترده ای وجود دارد که FDI یک منبع بالقوه ایجاد شغل و رشد است . رشد اساسی FDI از اواسط دهه نود، تحول آشکار در اکثر کشورهای در حال توسعه در رویکرد به SDI و شدت دفاع آژانس های بین المللی از آن به میزان زیادی به این فرضیه اشاره دارد . پیشرفت های نظری اخیر مدل های اساسی رشد اقتصادی، که به مدل های رشد درون زا انجامیده ، این اشتیاق به FDI را تسریع کرده است و تئوری جدید رشد اقتصادی،

سرمايه گذاري در سرمايه انساني، يادگيري از طريق انجام کار ، و يادگيري از طريق نظارت و مشاهده و بازدهي فزاينده به مقياس را مورد تاکيد قرار مي دهد . انتقال سرمايه انساني و

بناگاهای تحت مالکیت دولت در کشورهای سرمایه گذار و میزبان ، هر دو ، و فشار به دولت ها برای کاهش کسری بودجه ، افزایش کارایی زیر ساختار و ایجاد یک فضای مستعد فعالیت اقتصادی و رقابت می باشد . مشارکت

**کشورهای که خودشان را از جهان بیرون محروم و منزوی می کنند در واقع از جهان ایده ها و علم و دانش ، از جریان تکنولوژی ، و از بهبود سازمانی که در بخش های دیگر جهان اتفاق می افتد، محروم می مانند .**

در خصوصی سازی یک عامل مهم نفوذ و رسوخ MNEs بوده است . در حال حاضر کمک سراسری MNEs به اشتغال ( که فقط در حدود ۴ درصد نیروی کار

دولتهای کشورهای در حال توسعه نسبت به اثرات شرکت های چند ملیتی یا فرا ملیتی MNEs به نظر می رسد بسیار کم رنگ شده باشد .

اکنون دولتها به استقبال MNEs می روند به نحوی که در تاریخ توسعه اقتصادی بی سابقه است . رویکرد جهانی سیاست به سمت بازار و سیاستهای اقتصادی لیبرال موجب شده تا بسیاری از تشویش ها و تردیدهایی که پیش از این نسبت به FDI وجود داشته به کنار نهاده شود . حوزه هایی از فعالیت اقتصادی که پیش از این بر روی بنگاه های خارجی بسته بوده اکنون

مفتوح گردیده و تلاش های شدیدی برای جلب توجه MNEs و جذب FDI در حال انجام است . این پیشرفت ها قویاً متأثر و نیازمند اقدامات سیاستی همچون خصوصی سازی

اثرات مثبت نیز از ویژگی های غالباً مورد تأکید FDI می باشد .

رشد تجارت بین الملل و سرمایه گذاری در خدمات، فرصت های منحصر به فردی برای ایجاد اشتغال در کشورهای در حال توسعه با یک نیروی کار آموزش دیده فراهم می کند . رشد تجارت و سرمایه گذاری در خدمات خودش نتیجه پیشرفت های موثر و هیجان انگیزی است که به واسطه انباشت تکنولوژی و نوآوری ها در صنعت حاصل شده است . این نوآوری ها به ایجاد مجموعه جدیدی از فعالیت های خدماتی و صنعتی انجامیده که در تخصصی شدن و تقسیم کار تأثیر به سزایی دارد .

### تجزیه و تحلیل تجربی

برای مطالعه و بررسی تجربی رابطه بین جهانی شدن اقتصاد و سطح اشتغال ( نرخ بیکاری) ۱۸ کشور از میان کشورهایی که ابتدا جزء کشورهای صنعتی نبودند، انتخاب گردیدند. در انتخاب نمونه تلاش گردید کشورهایی انتخاب شوند که یا به حضور وسیع و قدرتمندی در اقتصاد جهانی دست یافته اند، و یا به طور جدی و راسخ تلاش دارند نقش

مهمی در اقتصاد جهانی ایفاء نمایند . ۱۸ کشور انتخاب شده عبارتند از : آرژانتین، برزیل، چین، غنا، هنگ کنگ، هند، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، مکزیک، مراکش، فیلیپین، سنگاپور، تونس، ترکیه، تایلند، ونزوئلا و آفریقای جنوبی . برای اندازه گیری کمی جهانی شدن اقتصاد، به پیروی از مطالعه بانک جهانی از سه شاخص، نسبت تجارت (صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی، نسبت صادرات مصنوعات به کل صادرات، نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی FDI به تولید ناخالص داخلی GDP استفاده شده است . داده های آماری مربوطه به علاوه نرخ بیکاری هیجده کشور برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۸۰ از منابع بانک جهانی (WorldDevelopment)

Indicators) و ILO استخراج گردیده است . این اطلاعات و داده ها در هیجده جدول تنظیم و همراه با برخی خروجی های دیگر کامپیوتری در پیوست آورده شده است . (پیوست، جدول (۱)- داده های آماری)

روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات به دست آمده برای بررسی رابطه جهانی شدن اقتصاد و نرخ بیکاری که در سه مرحله انجام یافته و نتایج مربوطه به شرح زیر می باشد :

**یکم**، روند هر یک از شاخص های جهانی شدن اقتصاد با روند بیکاری در هر کشور، از طریق ابزار آماری ضریب همبستگی مطالعه و بررسی شده که نتایج آن از حیث علامت ضریب همبستگی عبارتند از : در چهار کشور آرژانتین، فیلیپین، آفریقای جنوبی و چین، ضریب همبستگی برای هر سه شاخص جهانی شدن اقتصاد دارای علامت مثبت بوده است .

مورد چین با سه کشور دیگر کاملاً تفاوت می کند . در چین نرخ بیکاری در طول دو دهه

### جهانی شدن اقتصاد در بلند مدت دارای تأثیر

مثبت معنی داری بر بازار کار و سطح اشتغال است .

تحت بررسی زیر ۵ درصد و حداکثر مقدار آن ۳/۱ درصد بوده است . از طرف دیگر سرعت و نرخ بیکارگی اقتصادی چین با اقتصاد جهانی از کشورهای دیگر به مراتب بیشتر بوده و چین در این دو دهه برخلاف سه کشور دیگر با بحران بیکاری مواجه نشده است . نوسانات نرخ بیکاری آن در محدوده و دامنه ۲ تا ۳ درصد است . به طور قطع سطح پائین نرخ بیکاری چین بر دامنه نوسانات و حتی روند نوسانات آن که در دوره تحت مطالعه به موازات رشد جهانی شدن چین، صعودی بوده، غلبه دارد . در کشورهای برزیل، مراکش، ونزوئلا و مکزیک، علامت ضریب همبستگی در یک مورد، منفی و در دو مورد، مثبت بوده است . بین نرخ بیکاری و دو شاخص از شاخص های جهانی

شدن اقتصاد همبستگی مستقیم وجود داشته ولی بین نرخ بیکاری و یک شاخص جهانی شدن همبستگی معکوس مشاهده شده است .

در واقع این کشورها با توجه به نتایج آماری، در ذیل کشورهای دسته اول جا می گیرند . در اینجا لازم است در مورد کشور مکزیک توضیحاتی ارائه شود . علامت مثبت ضریب همبستگی، عملکرد موفقیت آمیز مکزیک را نشان نمی دهد . در کشور مراکش، علی رغم رشد جهانی شدن اقتصاد این کشور، نرخ بیکاری بسیار بالا بوده و سیر صعودی داشته است . مکزیک، از این حیث با چین قابل مقایسه است . اطلاعات بیکاری کشور مکزیک فقط به دهه نود مربوط می شود . اگر نرخ بیکاری مکزیک در دهه هشتاد در دسترس بود، می توانستیم قضاوت بهتری داشته باشیم . با وجود این، نرخ بیکاری در مکزیک در دهه نود حول و حوش ۳ درصد ( و حداکثر مقدار آن ۵/۷ در صد) بوده که نرخ بسیار مناسبی تلقی می شود . به ویژه اگر دقت نمائیم که مکزیک در مجموعه کشورهای آمریکای لاتین قرار دارد که نرخ بیکاری آنها عموماً در سطح بالایی است .

در دهه نود مکزیک گرفتار بحران بدهی بسیار حاد گردیده که متأثر از عدم تعادل های اقتصاد کلان، سیاست های ناکارآمد، و صنایع تحت حمایت با رویکرد جایگزینی واردات بود . مکزیک، مانند مراکش سیاست تثبیت و تعدیل ساختاری را در سال ۱۹۸۳ آغاز کرد، اما با سرعت خیلی بیشتری به جلو حرکت نمود . مکزیک تجارت خارجی اش را با کاهش نرخ حمایت به حداکثر ۲۰ درصد آزاد سازی کرد و ۷۵ درصد تولیداتش را کاملاً آزاد ساخت . همچنین بازار سرمایه خود را بر روی خارجی ها گشرد و توانست مقادیر انبوهی از سرمایه گذاری خارجی را جذب نماید . تولید صنعتی مکزیک با تنوع وسیعی به سرعت افزایش پیدا کرد، اشتغال در بخش مصنوعات آن افزایش یافت و بخش صنعت به جای



سال های دهه هشتاد و اوایل دهه نود، از ۱۵ درصد بالاتر بوده، می توان گفت که جهانی شدن تونس به نفع بازار کار آن بوده است اما براساس شواهد موجود، سطح بیکاری در تونس علی رغم حضور نسبتاً وسیع و شدید در اقتصاد جهانی هنوز بسیار بالا می باشد. در کشور غنا، علی رغم افزایش نسبت صادرات به GDP، سهم مصنوعات آن از صادرات در سطح بسیار پائینی است که حاکی از تعادل ضعیف آن با اقتصاد جهانی می باشد. با وجود این غنا توانسته در دهه آخر قرن بیستم مقدار زیادی سرمایه گذاری مستقیم خارجی را جذب نماید. نرخ بیکاری در غنا، که فقط برای سال های ۹۵-۱۹۹۲ به دست آمده، در سطح بسیار بالا، و در میان ۱۸ کشور نمونه، دارای بالاترین نرخ بیکاری بوده است. مطالعه و بررسی دقیق تر اطلاعات غنا نشان می دهد که این کشور از حیث نسبت صادرات مصنوعات به کل صادرات حضور بسیار کم رنگی دارد (۶/۸ درصد)، از حیث جذب FDI (در دهه نود) در سطح تقریباً مناسبی است، و از نظر نرخ بیکاری، در یک سطح بحرانی قرار دارد. این بحث به نکته بسیار مهمی اشاره دارد: شاخص نسبت صادرات مصنوعات به کل صادرات، اهمیتش بیشتر از جذب FDI است. اگر جذب FDI به افزایش توان صنعتی و افزایش تولیدات و صادرات صنعتی نیانجامد، جهانی شدن فایده ای در پی نخواهد داشت و بلکه به احتمال زیاد اثرات زیانباری بر جای خواهد گذاشت.

**دوم،** در این مرحله، متوسط سالیانه متغیرها و شاخص های مربوطه یعنی متوسط سالیانه نسبت صادرات به GDP، متوسط سالیانه نسبت واردات به GDP، متوسط سالیانه سهم مصنوعات از صادرات و متوسط سالیانه نسبت FDI به GDP برای هر کشور در فاصله ۲۰۰۰-۱۹۸۰ محاسبه گردیده و نتایج این محاسبات در جدول (۲) آمده است. بر اساس جدول (۲) از لحاظ نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات، کشور هنگ کنگ با متوسط سالیانه ۹۴/۸ درصد در طی ۲۰۰۰-

طیف دسته بندی نمائیم.

کشورهایی که افزایش یکپارچگی اقتصادی آنها با نرخ نزولی بیکاری همراه بوده و نرخ بیکاری آنها، به استثناء ترکیه، به طور متوسط زیر ۵ درصد بوده است. و اما در خصوص کشورهای تونس، هند و غنا یا آمار مربوط به نرخ بیکاری آنها به هیچ وجه در دسترس نبوده و یا تعداد مشاهدات بسیار اندک بوده است و لذا لازم است به صورت جداگانه و موردی تشریح شوند. تونس کشوری است که شاخص های جهانی شدن اقتصاد آن حاکی از نرخ بالای یکپارچگی آن در اقتصاد جهانی است به طوری که با کره جنوبی هم تراز می کند. با وجود این، نرخ بیکاری آن، در سال های آخر دوره تحت مطالعه در سطح بالایی است (۱۵ درصد). اگر نرخ بیکاری در تونس در

ویرانی و تخریب، تجدید ساختار پیدا کرد. نه تنها بیکاری در مکزیک، به علت آزاد سازی و دسترسی به NAFTA افزایش پیدا نکرد بلکه مشاغل بیشتری ایجاد گردید. این تحلیل نشان می دهد که بیکاری در مکزیک در دهه ۱۸۰ احتمالاً در سطح بالاتری بوده است.

در کشورهای سنگاپور، تایلند، مالزی، و ترکیه ضریب همبستگی بین نرخ بیکاری و جهانی شدن اقتصاد در تمام موارد دارای علامت منفی بوده است. به عبارت دیگر بین جهانی شدن اقتصاد این کشورها (توسط هر سه شاخص) و نرخ بیکاری آنها همبستگی معکوس مشاهده شده است. در دو کشور هنگ کنگ و کره جنوبی نیز ضریب همبستگی در دو مورد از سه مورد دارای علامت منفی بوده است و لذا این کشورها را در مجموع می توانیم در یک

جدول (۴) - رتبه بندی کشورها و برآورد شاخص سرعت جهانی شدن اقتصاد

	SIG2	SIG	I	M	E
آرژانتین	۳۹	۳۹	۶	۱۶	۱۷
برزیل	۳۶	۳۶	۹	۱۱	۱۶
چین	۲۱	۲۱	۳	۳	۱۵
غنا	۴۳	۴۳	۱۲	۱۸	۱۳
هنگ کنگ	۱۲	۳	۰	۱	۲
هند	۴۰	۴۰	۱۷	۱۵	۱۸
اندونزی	۳۷	۳۷	۱۴	۱۵	۸
کره جنوبی	۲۱	۲۱	۱۳	۲	۶
مالزی	۱۴	۱۴	۲	۹	۳
مکزیک	۲۹	۲۹	۷	۱۰	۱۲
مراکش	۳۸	۳۸	۱۵	۱۲	۱۱
فیلیپین	۳۰	۳۰	۱۰	۱۳	۷
سنگاپور	۶	۶	۱	۴	۱
تونس	۱۴	۱۴	۴	۶	۴
ترکیه	۳۷	۳۷	۱۶	۷	۱۴
تایلند	۱۸	۱۸	۵	۸	۵
ونزوئلا	۳۴	۳۴	۸	۱۷	۹
آفریقای جنوبی	۳۵	۳۵	۱۱	۱۴	۱۰

مأخذ براساس جدول (۲)

E: امتیاز مربوط به متوسط سالانه نسبت صادرات به GDP در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰  
 M: امتیاز مربوط به متوسط سالانه سهم مصنوعات از صادرات در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰  
 I: امتیاز مربوط به متوسط سالانه نسبت FDI به GDP در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰  
 SIG: (جمع امتیازات E، M، I)، شاخص سرعت جهانی شدن اقتصاد

[[ (SIG2), (SIG) ]]] و نرخ بیکاری را به طور متوسط در طی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ نشان می دهد. همچنان که در جدول شماره (۵) ملاحظه می شود در تمام حالات مفروض، ضریب همبستگی دارای علامت انتظاری بوده و از لحاظ آماری نیز در سطح معنی داری می باشد. (در سطح ۵٪) لازم به توضیح است که در این حالت، علامت مثبت "ضریب همبستگی با

جدول (۵) - ماتریس همبستگی

SIG2	SIG	
.۵۲	.۵۰	MUR

انتظارات مفروض مطابقت دارد (بر خلاف حالات قبلی). علامت مثبت "ضریب همبستگی به معنی همبستگی مستقیم دو متغیر (جهانی شدن اقتصاد) و نرخ بیکاری می باشد. به این معنی که، افزایش مقدار عددی شاخص برآورد شده جهانی شدن اقتصاد، که به مفهوم تنزیل رتبه جهانی شدن است (به معنی حاشیه نشینی و انزوا گرایی) با افزایش نرخ بیکاری هم بسته است.

### نتیجه گیری

جهانی شدن قویاً بر بازار کار در سراسر جهان اثر می گذارد. کاری که پیش از این در آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی انجام می شده، اکنون در کشورهای در حال توسعه غالباً به طور ارزان تر انجام می شود. و این نه تنها در مورد مشاغل کم مهارت خط موتناژ صدق می کند بلکه در مورد مشاغل مستلزم مهارت های بالای کامپیوتری و مهندسی نیز صادق است. حتی صنعت خدمات از رقابت جهانی شغلی در امان نیست. در مطالعه انفرادی، در کشورهایی که جهانی شدن اقتصاد سرعت بیشتری پیدا کرده و یکبارگی افزایش یافته، در دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ هم شاهد کاهش نرخ بیکاری بوده ایم و هم شاهد افزایش نرخ بیکاری، با این توضیح که:

کشورهایی که رشد جهانی شدن اقتصاد آنها بیشتر از همه بوده، عموماً کاهش بیکاری

سری بوده، نمره یک و به کشور با بیشترین مقدار دوم، نمره دو و همینطور الی آخر، به کشوری که دارای کمترین ارزش متوسط سالانه بوده نمره هیجده داده شده است.

این فرآیند برای دو شاخص دیگر جهانی شدن اقتصاد یعنی سهم مصنوعات از صادرات و نسبت FDI به GDP نیز تکرار شده است. در نهایت، نمرات و امتیازات هر کشور از سه شاخص مذکور جمع بسته شده و نتایج در جدول (۴) آمده است. ستون جمع نمرات و امتیازات هر کشور شاخص SIG در واقع نرخ و میزان یکپارچگی اقتصاد کشور مورد نظر و یا به عبارت دیگر سرعت جهانی شدن آن را منعکس می کند. هر قدر نمره و امتیاز نهایی کوچکتر باشد به معنی تعادل بیشتر کشور مورد نظر با اقتصاد جهانی است، چون هر قدر نمره نهایی کوچکتر باشد به این معنی است که ارزش متوسط سالانه سه شاخص اساسی جهانی شدن اقتصاد برای کشور مورد نظر در سطح بالاتری قرار دارد. بر اساس شاخص مرکب تعریف شده SIG کشورهای هنگ کنگ، سنگاپور و مالزی در میان ۱۸ کشور نمونه سه رتبه اول جهانی شدن اقتصاد را به خود اختصاص داده اند.

لازم به توضیح است که برای هنگ کنگ آمار مربوط به جذب FDI به دست نیامده است. این کشور در دو شاخص دیگر جهانی شدن اقتصاد دارای رتبه ۱ و ۲ بوده و لذا با این فرض که هنگ کنگ از حیث FDI در موقعیت مشابهی قرار دارد این کشور در رتبه اول قرار گرفته است. با وجود این برای مطابقت بیشتر با دیگر تلاش های انجام شده<sup>۱</sup> به هنگ کنگ در زمینه جذب FDI نمره باین تری اعطاء و فرآیند محاسبه شاخص مجدداً تکرار گردید. در این حالت سنگاپور رتبه اول را کسب کرده و هنگ کنگ در جایگاه دوم قرار گرفته است. این تغییرات در جدول (۴) با SIG2 تعریف شده است.

جدول شماره (۵) ضرایب همبستگی بین دو شاخص برآورده شده جهانی شدن اقتصاد

۱۹۸۰ دارای بیشترین مقدار و غنا با ۸/۶ در صد دارای کمترین مقدار بوده است. همچنین از لحاظ جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی به صورت نسبت FDI به GDP، مالزی با متوسط سالیانه ۴/۳ درصد در طی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ دارای بهترین موقعیت بوده و هند با ۲۳٪ در صد ضعیف ترین وضعیت را داشته است. ضریب همبستگی بین شاخص های جهانی شدن اقتصاد (نسبت صادرات به GDP، نسبت واردات به GDP، سهم مصنوعات از صادرات و نسبت FDI به GDP) و نرخ بیکاری دارای علامت منفی بوده (جدول ۳) و ضریب همبستگی سهم مصنوعات از صادرات دارای بیشترین مقدار و از لحاظ آماری نیز در سطح معنی داری بوده است.

جدول (۳) - ماتریس همبستگی

MFI	MAM	MIM	MEX	
-.۲۱	-.۵۸	-.۲۳	-.۲۷	MUR

نتایج آماری نشان می دهد که جهانی شدن اقتصاد به طور متوسط در طی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ با کاهش نرخ بیکاری همراه بوده و این رابطه برای شاخص سهم مصنوعات از صادرات معنی دار بوده است. نکته مهمی که از این نتیجه حاصل می شود این است که اگر جهانی شدن اقتصاد از طریق رشد صادرات و جذب FDI با افزایش و رشد صادرات صنعتی ملازم باشد به طور قطع جهانی شدن اقتصاد برای کشور مربوطه اثرات مثبت و مفیدی از جمله برای بازار کار و اشتغال، در پی خواهد داشت.

سوم، در آخرین مرحله تلاش گردید تا درجه جهانی شدن اقتصاد هر کشور تعیین گردد. برای دستیابی به این مهم، براساس جدول (۲)، هیجده کشور نمونه با توجه به مقدار و ارزش متوسط سالانه متغیرهای مربوطه، در دامنه یک تا هیجده امتیاز بندی و مرتب گردیدند. به این ترتیب که، به عنوان مثال، برای ارزش متوسط سالانه صادرات به GDP، به کشوری که دارای بیشترین مقدار در

15-Sachs, Jeffrey, "Globalization and Employment", International Institute for labour studies, ILO, 2002.

16- World Bank, Global Economic Prospects and the Developing Countries, Washington, D.C, 1996.

17- World Bank, World Development Indicators, Different Years.

18- Yaprak, Attila & Hulya Tutek, Globalization, The Multinational firm, and Emerging Economies, 2000, JAI/ElsevierIn

## منابع و مأخذ

۱- آذر، عادل، و منصور مومنی، آمار و کاربرد

آن در مدیریت، جلد دوم، تحلیل آماری، سمت، ۱۳۸۰.

2- Bailey, Paul, et al., Multinationals and Employment, International labour office (ILO), Geneva, 1993.

3- Boughzala, Mongi, "Impact on Workers of Reduced Trade Barriers: The Case of Tunis and Morocco", International labour Review, vol.136, No.3, 1997.

4- Daniels, John D., "Emerging Economies and the Challenge of Globalization", Globalization, the Multinational Fir, Volum 10, 2000, JAI/Elsevier Inc.

5- Dunning, John H., Globalization, Trade, and Foreign Direct Investment, Elsevier ITD, 1998.

6-Foreign Policy (Magazine), Washington, D.C, 2001: Measuring Globalization.

7- Foreign Policy, Washington, D.C, 2002:2002Globalization Index.

8- ILO, World Employment Report 1995, Geneva.

9- ILO, Yearbook of labor Statistics, different years.

10- IMF, World Economic Outlook, Washington, D.C, 1997.

11- Jungnickel, Rolf, "Recent Trends in Foreign Direct Investment", Multinationals and Employment, ILO Geneva, 1993.

12- Lee, Eddy, "Globalization and Employment: IS anxiety Justified?" International labour Review, vol.135, No.5, 1996.

13- Lee, Eddy, "Overview", International labour Review, Vol.134, No.4-5, 1995.

14- Parisotto, Aurelio, "Direct Employment in Multinational Enterprises and Developing Countries in the 1980s: Main Characteristics and Recent Trend", Multinationals and Employment, ILO, 1993.

را تجربه کرده اند مانند تایلد، سنگاپور، هنگ کنگ، مالزی و کره جنوبی.

در برخی کشورهایی که با نرخ بالای یکپارچگی اقتصادی بین المللی، افزایش نرخ بیکاری اتفاق افتاده، سطح نرخ بیکاری بسیار پائین است و این پائین بودن نرخ بیکاری بر افزایش آن غلبه دارد مانند چین، مکزیک و اندونزی. به عبارت دیگر اینها کشورهایی هستند با نرخ بالای یکپارچگی و سطح پائین نرخ بیکاری، اگر چه نرخ بیکاری آنها در دوره تحت مطالعه افزایش داشته است.

در برخی کشورها، علی رغم افزایش نرخ یکپارچگی آنها با اقتصاد جهانی، نرخ بیکاری آنها هم افزایش داشته و هم در سطح بالایی بوده است مانند مراکش، آرژانتین، فیلیپین، آفریقای جنوبی، و تونس. نتایج اشاره دارد که تسریع جهانی شدن اقتصاد (افزایش یکپارچگی اقتصادی کشورهای جهان) به طور متوسط دارای همبستگی معنی داری با کاهش نرخ بیکاری است.

به عبارت دیگر، جهانی شدن اقتصاد در بلند مدت دارای تأثیر مثبت معنی داری بر بازار کار و سطح اشتغال است. این نتیجه وقتی حاصل شد که جهانی شدن اقتصاد به صورت یک شاخص مرکب تعریف و برآورد گردید.

با تجربه شاخص به سه مولفه اصلی آن نیز ملاحظه شد که همبستگی بین شاخص های جهانی شدن اقتصاد و نرخ بیکاری در دوره تحت مطالعه مطابق انتظارات قبلی بوده و برای شاخص سهم مصنوعات از صادرات، همبستگی در سطح معنی داری است. اگر بتوان با جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، صادرات صنعتی را از طریق استراتژی توسعه صادرات به طور محسوسی افزایش داد، به طور قطع کاهش قابل توجه نرخ بیکاری را می توان شاهد بود.

در مطالعات آماری ملاحظه شد که در کشورهای با نرخ بالای سهم مصنوعات از صادرات، نرخ بیکاری در سطح پائینی قرار دارد.